

با نام خدا

«ضایعه‌ای بی‌عدالتی در نظام آموزشی: درد بی‌درمان یا...؟»

▼ اول:

در بافت ایران، اگر از والدین جمعیت کثیری که در مدارس دولتی تحصیل می‌کنند سوال کنیم آیا مایل نیستید فرزندانان در مدرسه خصوصی درس بخوانند قریب به اتفاق خواهند گفت، چرا.

با این وصف و در این بافت، آیا پدیده مدارس خصوصی در واقع نماد تبدیل تربیت با کیفیت از یک کالای عمومی به یک کالای خصوصی و از یک خیر عمومی به یک خیر خصوصی نیست؟ و باز تولید بی‌عدالتی آموزشی و اجتماعی را نمایندگی نمی‌کند؟ وجود این مدارس، برخورداری از تعلیم و تربیت با کیفیت را برای کثیری به یک حسرت و عقده تبدیل نکرده است؟ آیا مدارس خصوصی خواسته یا ناخواسته نقشی در لختی، کرختی و بی‌حسی مسئولان نسبت به درد استخوان سوز فقر کیفیت در مدارس دولتی که همان تباه شدن سرمایه انسانی بچه‌های نابرخوردار این ملت است ندارد؟ (شواهد و داده‌های فراوانی از مثبت بودن پاسخ به این سوال‌ها حمایت می‌کنند)

▼ دوم:

آیا باید مدارس خصوصی را طبق یک قانون انقلابی تعطیل کرد؟

هرگز قائل به این تز نیستم. بلکه معتقدم باید با علت مبارزه کرد و نه با معلول. علت نظامی است که امکان بهره‌برداری کسب‌وکاری از محیط در حوزه تعلیم و تربیت را فراهم ساخته.

یعنی به **education as business** یا **education as market** امکان وقوع و حیات بخشیده است. چون همه خواهان آموزش و پرورش با کیفیت هستند و بستر آن در مدارس دولتی فراهم نیست که نیست (البته از میان موسسان عده‌ای ممکن است تاسیس مدرسه را واقعا غیر انتفاعی بدانند و از جنس کسب‌وکار اجتماعی، ولی به‌رحال مبنای اصلی پذیرش دریافت شهریه است.)

▼ سوم:

در این شرایط از موسسان برای پاسخگویی به نیاز و تقاضای اجتماعی باید سپاسگزاری هم کرد. با معلول مبارزه کردن سرنا را از سرگشاد نواختن است. پس علت را باید درمان کرد تا تدریجا و به‌شکل طبیعی خانواده‌ها از این مدارس روی برگردانند و به سمت مدارس که فرصت‌های یادگیری کیفی را بدون قید طبقه اقتصادی و اجتماعی در اختیار همه دانش‌آموزان قرار می‌دهند روی بیاورند.

▼ چهارم:

چاره چیست؟ مبارزه با علت چگونه باید اتفاق بیفتد؟ باید احساس مسئولیت نظام و مداخله موثر نسبت به ارتقاء کیفیت در مدارس دولتی به سطحی برسد که والدین بچه‌هایی که به مدارس دولتی می‌روند قانع شوند که به کسب و کارهای آموزشی پشت کنند و تقاضای اجتماعی رفته رفته به موازات ارتقاء کیفیت مدارس دولتی افت کند. در شرائط کنونی همانطور که گفتم به هیچ‌وجه چنین تمایل و گرایشی وجود خارجی ندارد و عکس آن که قصه حسرت و آه والدین است روایت غالب است. پیرنگ روایت مشترک این گروه عظیم از والدین که امکان بهره‌مندی از شرایط و کیفیت برتر آموزشی و پرورشی را ندارند چیست؟ علاوه بر رنج ناداری و ناتوانی اقتصادی خودمان، رنج ناتوان ماندن فرزندانمان و مشاهده سوختن فرصت‌های بالندگی آنان را باید بر دوش کشیم.

▼ ششم:

در این اثنا، توسعه مدارس غیردولتی باید مورد بازنگری قرار گرفته و سیاست مهار از یکسو و فرصت بیشتر دادن به دانش‌آموزان نابرخوردار در این مدارس، از سوی دیگر، در دستور کار قرار گیرد.

▼ هفتم:

این نکته هم به نظرم بسیار مهم است که نقد مدارس خصوصی به دلیل گزینش مبتنی بر پایگاه اقتصادی، در سطح خرد مطرح نیست. یعنی از نظر من انتخاب مدرسه خصوصی برای برخورداری از خدمات بهتر آموزشی و تربیتی از سوی خانواده متمول اصلاً قابل نقد نیست. هر انسان عاقلی دست به انتخاب بهترین گزینه می‌زند. نقدی که متوجه مدارس خصوصی است، در مقیاس کلان و در نظر به کلیت نظام آموزشی است که نابرابری مبتنی بر پایگاه اقتصادی در آن به مرحله خطرناکی رسیده است.

🍁 نتیجه‌گیری 🍁

آیا بی عدالتی وصف یک درد بی درمان است یا وصف دردی است که درمان دارد؟؟؟ اگر تعطیل کردن که نشانه "حکمرانی ساده" یا ساده‌انگارانه است و قطعاً قابل دفاع نیست، برای درمان چه باید کرد؟

▼ برای این مهم، یعنی ارتقاء کیفیت مدارس دیگر، باید طرح و ایده داشت. وگرنه این مطالبه جدید نیست و مدیران و دولتمردان هم مدعی هستند در حد توان کوشیده‌اند و از این بیشتر از عهده‌ی حاکمیت کاری ساخته نیست. و این وصف درد بی درمان است. در واقع باید کسانی که دغدغه عدالت دارند راه‌حلی را نشان دهند که مدعی امکان ترمیم جدی شکاف است و این‌که وضع موجود، وضع محتوم نیست.

وگرنه واقعا نابرابری آموزشی و نابرابری اجتماعی ناشی از آن را با تمام ضایعاتش باید پذیرفت و با آن زیست. (از نظر من ما نیاز به تعریف تیپ سوم یا "مدارس ملی" و استقرار اصل رقابت در ارائه خدمات برتر و جذاب‌تر داریم.)

▼ پس همه‌ی این بحث‌ها باید به میدان گفتگو و رقابت بدیل‌ها میان صاحب‌نظران ترجمه شود و توان ارائه سیاست‌های تحولی تازه برای ارتقاء بیش از پیش کیفیت و عملکرد مدارس دولتی به آزمون گذاشته شود. اگر افق‌های تازه برای تحول خلق و عرضه نشوند، از دل دغدغه‌های عدالت‌خواهانه هیچ مولود مبارکی متولد نمی‌شود.

✍️ محمود مهرمحمدی

۱۹ مهر ۱۴۰۲